

یک جفت چکمه برای هزارپا

(مجموعه داستانک طنزآمیز)

فرانتس هولر

ترجمه‌ی علی عبداللہی



فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۳	هزار پای بخت برگشته
۱۵	حکایت اشباح
۱۶	زبان «اکتی»
۱۸	افسانه‌ی پدری که پسرش مدت‌ها دست توی سوراخ
۲۰	کرم خاکی‌های ناهمگون
۲۲	بازی چوب‌کبریت
۲۳	رمان جنایی ۱
۲۴	روغنِ سیبیل
۲۵	جیغی در شب
۲۶	بوم‌آباد و بوم‌آبادی‌ها
۲۸	خداحافظی برای همیشه
۲۹	کو توله‌ی بزرگ
۳۰	دکمه‌ای که سر جای خودش نبود
۳۱	زن جادوگر
۳۳	خودرو

۳۵	آقا لک لک و ویولون سل
۳۶	فیل
۳۸	ژاندارم
۳۹	دایناسوری در مدرسه
۴۱	قوری چای
۴۳	یک روز یک گوزن شمالی بود
۴۴	لامپ برق در اتاق نشیمن
۴۶	داستان عاشقانه
۴۷	مته‌ی فشار بادی و تخم مرغ
۴۹	خرگوش و ببر
۵۰	جزیره‌ی مدور
۵۲	میمون
۵۴	سفر رفت و برگشت آمریکا
۵۷	هتل
۵۹	کلاه قرمزی
۶۱	عروسی عجیب و غریب
۶۳	کشیده‌ای در سیرک
۶۵	شب اول
۶۷	فتوکپی غیر معمول
۶۹	دو دشنام
۷۱	شاهزاده‌ی شیرینکار
۷۴	کشفی در یک ساختمان نوساز
۷۷	بلوک گرانیت در سینما

۷۹	یک جور تئاتر کاملاً متفاوت
۸۱	یادداشت مورد علاقه‌ی سناتور
۸۲	کامپیوتر قاطی می‌کند
۸۴	کودکی توی شکم یک مرد
۸۷	سوئیس زیبا
۹۰	مرغابی
۹۲	معضل کار گروهی
۹۴	برگ
۹۵	یک سؤال
۹۶	دهه‌ی اخیر
۹۸	گچ و تخته پاک‌کن
۹۹	گچ
۱۰۰	موبایل دزد
۱۰۲	خوش خبری
۱۰۴	هرگز دیر نیست
۱۰۶	غنایم دریا
۱۰۸	اجازه دارم یک چیزی برایتان بخوانم؟
۱۱۴	باغبان
۱۱۵	پیرزن
۱۱۷	رمان جنایی ۲
۱۱۹	آهنگر و نانوا

یادداشت مترجم

فرانتس هولر^۱، نویسنده‌ی معاصر سوئیسی در سال ۱۹۴۳ در شهر بیل به دنیا آمد. در زوربخ ادبیات آلمانی و رومی خواند. او نویسنده، ترانه‌پرداز، نمایشنامه‌نویس، رمان‌نویس کودکان و بزرگسالان، کابارتیست و کوهنورد قهاری است که تا کنون بیش از پنجاه اثر در زمینه‌ی داستان کوتاه، رمان، داستان کودک و نوجوان و ترانه، در سوئیس و آلمان و اتریش منتشر کرده است.

هولر زبانی گزنده و هزل‌گونه ولی ساده و جذاب دارد که در آن همه چیز آماج طنز قرار می‌گیرد. او تا کنون به خاطر آثارش ده‌ها جایزه دریافت کرده است و اکنون در سوئیس زندگی می‌کند. از این نویسنده نخستین بار به فارسی پنج داستان در ماهنامه‌ی *داستان‌های همشهری* نوروز ۱۳۹۰ به همین قلم درآمد و به تازگی نیز کتاب «*کاروان‌ته‌کوزه‌ی شیر*» با ترجمه‌ی ناصر غیاثی درآمد است. کتاب حاضر دومین کار اوست به فارسی. بیشتر داستانک‌ها برگرفته از چاپ دوازدهم کتاب «داستان‌های دور ریختنی» یا «قصه‌های سرراهی»^۲ است که در انتشارات

1. Franz Hohler

2. Weg Werf Geschichten, Zytglogge, 2009

سیتگولوگه، در سال ۲۰۰۹ در سوئیس منتشر شد. کتاب در زبان اصلی، بدون صحافی و در یک جعبه‌ی مقوایی به صورت تک‌ورق چاپ شده و هر داستان در یک برگ یک رو یا بعضاً دو رو آمده است. شاید به همین خاطر چنین نامی بر پیشانی خود دارد. حدود ده داستان از این کتاب را ترجمه نکردم بنا بر ملاحظات عدیده از جمله غیرقابل چاپ بودن یا ضعف خود داستان‌ها یا نوشته شدن با لهجه‌ی غلیظ سوئیسی که نهایتاً بازی زبانی بیش نبود. در عوض چند داستان دیگر از سایر آثار نویسنده به کتاب راه یافت، به خصوص از «کتاب بزرگ» وی چاپ ۲۰۰۹.

فرانتس هولر نویسنده‌ی پرکار و مشهوری است و در زمینه‌های مختلف کاری‌اش موفق. خودش در دو توضیح کوتاه در لابه‌لای داستان‌های همین کتاب می‌نویسد:

«چنین داستان‌هایی را همه می‌توانند بنویسند.

همه صاحب تخیل هستند، فقط همه لازم ندارند. برای واداشتن مردم به استفاده از تخیل شان، گاهی وقت‌ها که روی صحنه می‌روم، از جماعت می‌خواهم عنوان داستانی را بگویند، بعد خودم به آن‌ها درجا قول نوشتن‌اش را می‌دهم. رفته رفته، پس از چند لحظه تأمل، از آن‌ها می‌خواهم شروع کنند به داستان تعریف کردن، به طوری که کسی یک جمله پیشنهاد می‌دهد، دیگری جمله‌ی دومی، و بیشتر اوقات جمله‌هایی در تکمیل آن جمله‌ها یا طرح‌هایی ارائه می‌شود. من داستان را در حین شکل‌گیری حروفچینی می‌کنم، و بعد یک کپی از آن را می‌دهم دست تماشاگران تا با خود به خانه ببرند. برخی از داستان‌های همین مجموعه حاصل آفرینش جمعی بزرگسالان و کودکان است.»

گفتنی است که در این مجموعه، داستان‌هایی که زمان و مکان زیر آن‌ها قید شده، از آن جمله‌اند. هولر باز هم در یادداشت دیگری می‌نویسد:

«مدتی کوشیدم داستان‌های سرراهی را بداهه‌نویسی کنم، آن هم به این شیوه:

ظهرهای شنبه به استودیو زوریخ رادیو سوئیس می‌رفتم، یک تلفن و یک ماشین تایپ دم دستم بود. از رادیو شماره تلفن را اعلام می‌کردند، مردم می‌توانستند با من تماس بگیرند و موضوعی را برای داستان طرح کنند. از خلال سه تلفن اول یک موضوع انتخاب می‌کردم، و در نیم ساعت بعد در طول برنامه، داستانی ازش در می‌آوردم و بلافاصله برای شنوندگان می‌خواندم.

از حدود بیست داستانی که به این شیوه شکل گرفت، چهارتا برای این مجموعه انتخاب کرده‌ام.»

هولر همه چیز را دستمایه‌ی داستان می‌کند: امور بسیار پیش‌پاافتاده‌ای روزمره، شخصیت‌های افسانه‌ای قدیمی، کارتونی، حماقت‌های ظاهراً عادی بشری، دستاوردهای جدید فن‌آوری، رسانه‌های عصر دیجیتال، حیوانات، تمثیل‌های رایج قدیمی، باورهای عامیانه، اشیاء دم دست روزمره و... و در این بین از همه‌ی ترفندهای قدیم و جدید داستانی‌سازی بهره می‌گیرد یا آن‌ها را نقیضه می‌کند.

شاید در آغاز، برخی داستان‌های هولر بی‌اندازه ساده و بدیهی به نظر بیایند، ولی نوع پرداخت و دامنه‌ی موضوع و صمیمیت و نکته‌سنجی وی در نقد باورهای کهن افسانه‌ای با استفاده از مصالح و ابزارهای خود همان افسانه‌ها، به راستی که حیرت‌آور است.